

رویکرد حکومتی کریم‌خان زند در برقراری نظم و امنیت عمومی در ایران

حسن رضا رفیعی^۱

| | | |
|---|-------------------------------------|---|
| فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی سال دوم، شماره ششم، پاییز ۱۳۹۴ | صفحه ۲۱ Hasanreza Rafei تا ۳۴ | تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۸ |
|---|-------------------------------------|---|

چکیده

در میان فرمانروایان حاکم بر ایران، کریم‌خان زند از ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی برخوردار بوده که او را از این بابت یگانه کرده است. او خاستگاهی مردمی داشت و از میان توده‌های مردم برخاست و با حمایت آن‌ها به حکومت رسید. وی در طول دوران حکومت درد مردم داشت و مانند آنان زندگی کرد و خود را نماینده و حافظ حقوق رعایا می‌دانست. بدین سبب نگارنده درصدد آن برآمد که منش و رفتار کریم‌خان برای تحقق نظم و امنیت عمومی را مورد بررسی قرار دهد. کریم‌خان با تدابیر خردمندانه، رفاه و امنیت نسبتاً خوبی را برای همه اقشار جامعه فراهم کرد. اقدامات او موجب تحقق نظم و امنیت عمومی کشور شد و مردم طعم آسایش نسبی و عدالت اجتماعی را چشیدند؛ بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که رویکرد حکومتی کریم‌خان زند در برقراری نظم و امنیت عمومی در داخل ایران چگونه بوده است؟ این مقاله به روش تاریخی تهیه شده است و شیوه گردآوری، مطالب کتابخانه‌ای و روش تحلیل یافته‌ها توصیفی است. نتیجه‌ای که نگارنده به دست آورده، بیان نمونه‌هایی از عملکرد جوانمردی نیک‌نفس و صادق از فرزندان ایران در برقراری نظم و امنیت عمومی است. اشاره به مصادیقی از شیوه‌های اجرایی کریم‌خان در زمینه مورد مطالعه، حتی برای مسئولان انتظامی و دولت‌مردان امروزی کشور نیز می‌تواند قابل استفاده و بهره‌برداری باشد.

کلیدواژه‌ها

۱- استادیار مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین: @chmail.ir\۳۴۰Hrr
۲- Assistant professor in Management, Amin University(Hrr1340@chmail.com).

نظم، امنیت عمومی، عدالت، رفاه اجتماعی، کریم‌خان زند.

مقدمه

از میان فرمانروایان فراوانی که بر ایران فرمان رانده‌اند، کریم‌خان زند ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که کمتر فرمانروایی به صورت یکجا از آن‌ها برخوردار بوده است. او مردی برخاسته از میان توده‌های مردم بود که با پشتیبانی آن‌ها به فرمانروایی رسید و بعد از رسیدن به حکومت، نه خویشتن خویش را فراموش کرد و نه مردم را از یاد برد. او تنها فرمانروایی است که خود را شاه نخواند و شاه ندانست و لقب بامسمای وکیل‌الرعا یا نماینده و خدمتگزار مردم را برای خود انتخاب کرد. همین روحیه خاکساری، کریم‌خان را بزرگ کرد و نشان داد که او دغدغه‌ای جز تأمین آسایش و آرامش مردم ندارد. دوران حاکمیت بیست‌ساله کریم‌خان (۱۱۷۳-۱۱۹۳ ق)، دوران یکپارچگی ایران و همدلی ایرانیان، عمران و آبادانی کشور، استقلال مملکت و دوران آسایش و تأمین نظم و امنیت عمومی بود. بر این اساس است که نگارنده در این مقاله به دنبال پاسخیابی برای این سؤال اصلی است که: رویکرد حکومتی کریم‌خان زند در برقراری نظم و امنیت عمومی داخلی ایران چگونه بوده است؟ ممکن است سؤال شود پرداختن به چنین موضوعی چه اهمیت و ضرورتی دارد؟ پاسخ آن است که سیره مردان بزرگ برای مردمان همه دوران درس‌آموز است، زیرا اندیشه متعالی چنین فرهیختگانی باگذشت زمان کهنه نمی‌شود و همیشه قابل‌استفاده است. تدوین مقاله به روش تاریخی و گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و تحلیل مطالب به روش توصیفی است.

تعاریف و اژه‌ها

پیش از پردازش به رویکرد حکومتی کریم‌خان زند در زمینه برقراری نظم و امنیت عمومی لازم است

به مفاهیم نظم و امنیت اشاره‌ای مختصر و گذرا شود.

نظم و امنیت: نظم از نظر واژه‌ای به معنی به رشته کشیدن جواهر، ترتیب و آراستگی، پیوستگی و به هم پیوستن است. نظم از نظر اصطلاحی به معنی قاعده‌مندی، به سامان بودن امور و رواج قانون در همه سطوح است. امنیت از نظر واژه‌ای به معنی در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی و برگرفته از ریشه امن به معنی بی‌بیمی، بی‌ترسی، اطمینان، آسایش، آرامش قلب و ضد خوف و ترس است (معین، ۱۳۶۴: ۳۶۴/۱ و ۴۷۵۳/۴؛ عمید، ۱۳۷۵: ۲۷۵/۱؛ دهخدا، ۱۳۷۸: ۱۳/۱۹۹۶۸). از نظر اصطلاحی واژه امنیت در دو بعد قابل‌بحث است. یکی بعد عینی که فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب‌شده است و بعد ذهنی که فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را می‌رساند (فریدمن، ۱۳۷۵: ۳۱۹). در یک تعریف دیگر امنیت مصونیت از تعرض بدون رضایت است یعنی مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند. به عبارتی حقوق آنان به خطر نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۵۴۸/۱).

کریم‌خان زند کیست؟

تعدادی از پژوهشگران معاصر، زندیه را از ایل‌های مهاجر لرستان به ملایر می‌دانند، ولی هیچ سند قابل دفاعی برای این ادعا ندارند زیرا در لرستان هیچ رد و نشانی از وجود زندیه یافت نشده است (صفایی، ۱۳۳۹: ۲۲-۲۳؛ پری، ۱۳۸۱: ۹-۱۰؛ حیدری، ۱۳۸۱: ۴۰-۵۵؛ گودرزی، ۱۳۸۸: ۶). نگارنده با استناد به تاریخ هرودت که یکی از هفت طایفه تشکیل‌دهنده اولین دولت فراگیر در ایران یعنی مادها را آریه زنتی‌ها یا آریاییان زند یا زندهای آریایی می‌داند (هرودت، ۱۳۶۸: ۵۹-۶۱)، معتقد است که زندیه در ملایر ریشه‌های چند هزارساله دارند. محمد کریم

زند فرزند ایناق و آغابگم در روستای گلوش گرد واقع در شش کیلومتری شهر ملایر به دنیا آمده است (تقوی‌راد، ۱۳۹۰: ۵۶). در اثر سرکشی افراد طایفه زند در مقابل دولتمردان منصوب نادرشاه افشار در همدان، تعدادی از سران آن‌ها کشته و بقیه به شمال خراسان تبعید می‌شوند. بعد از مرگ نادر و بازگشت زندیه از دره گز خراسان به ملایر، اجحاف حاکمان محلی همدان موجب برخورد غیورمردان زندیه با آن‌ها با هدایت محمد کریم می‌شود. در این زدوخوردها او با تعداد کم افراد خود، سپاهیان پنج و دوازده هزارنفری مهر علی‌خان تکلو حاکم همدان و برادرش را در دو مرحله شکست می‌دهد و غنیمت‌های زیادی از آنان می‌گیرد. همین قضیه باعث می‌شود که افراد زندیه به وی لقب خان دهند. از آن تاریخ به بعد است که وی به کریم‌خان زند معروف می‌شود. پایمردی مردمان ملایر و افراد طایفه زندیه، یاریگری طوایف دیگر و تدبیر و رهبری کریم‌خان موجب می‌شود تا وی پیش از دستیابی به حکومت و حتی در زمان حاکمیت بیست‌ساله خود بر تمام مدعیان قدرت در سرتاسر ایران از جمله: مهر علی‌خان تکلو حاکم همدان و برادرش عبدالغفارخان، حسن علی‌خان اردلان حاکم کردستان، محمدتقی‌خان و عبدالعلی‌خان عرب‌میش‌مست حاکمان کرمانشاهان، ابوالفتح‌خان بختیاری حاکم اصفهان، علی‌مردان‌خان بختیاری، آزاد خان افغان، محمدحسن‌خان قاجار، تقی‌خان درانی، نصیرخان لاری و شورشیان بنی کعب و آل کثیر پیروز شود و جامعه‌ای امن برای مردم ایران فراهم نماید. وی با بزرگمنشی تعدادی از دشمنان مغلوب را در اوج دستیابی به قدرت بخشید و حتی آن‌ها را به خدمت گرفت (رجبی، ۱۳۷۶: ۳۷-۱۰۶). پرداختن به چگونگی سرکوب عوامل ناامنی در گوشه گوشه ایران که زندگی را بر مردم تلخ و سخت کرده بودند در حد گنجایش این مقاله نیست. کریم‌خان زند بعد از سرکوب

عوامل سرکش، خود را به‌عنوان قدرت بلامنازع ایران به همگان اثبات کرد و از سال ۱۱۷۳ که برای همیشه در شیراز مستقر شد تا پایان عمر یعنی ۱۱۹۳ ق. حاکمیت کل ایران را بر عهده داشت.

اقدامات کریم‌خان زند برای برقراری نظم و امنیت عمومی در داخل کشور

قبل از ورود به دوران حکومت کریم‌خان بد نیست نظری به اوضاع و احوال کشور در دوران حکومت‌های متزلزل جانشینان نادرشاه افشار و زدو خورد خان‌های مختلف در جای‌جای ایران داشته باشیم تا اثر اقدامات مؤثر خان زند در برقراری نظم و امنیت عمومی کشور بیشتر آشکار شود. آن‌گونه که میرزا صادق نامی، تاریخ‌نگار دوره زندیه، می‌نویسد: افغانی‌های غلجایی که از قندهار به اصفهان آمده و سلسله صفویه را برانداخته بودند بر تخریب بنیان ملک ادامه می‌دادند و بیشتر سران ایل‌ها و بخش‌های زیادی از کشور به اجبار در اطاعت آن‌ها بودند. جماعت رومیه یا همان عثمانی‌ها سرزمین‌های غرب کشور تا محدوده علی شکر یا همدان امروزی را لگدکوب سم ستوران خود کرده بودند. بازماندگان نادرشاه نیز به جان همدیگر افتاده و با قتل‌عام فرزندان و نوادگان او خودکشی خانوادگی راه انداخته بودند. ابوالفتح‌خان بختیاری که از سوی شاهرخ افشار حاکم اصفهان بود مورد حمله سپاهیان هم ایلی خود علی‌مردان‌خان بختیاری قرار گرفت ولی او را شکست داد و به تسلیم واداشت. کریم‌خان زند و دو خان بختیاری پیش‌گفته، متحد شدند تا نوه دختری شاه سلطان حسین را با عنوان شاه اسماعیل سوم بر تخت سلطنت ایران بنشانند. علی‌مردان‌خان نایب‌السلطنه و کریم‌خان فرمانده سپاه ایران شدند و ابوالفتح‌خان حاکم اصفهان باقی ماند. کریم‌خان برای مقابله با سپاه مهرعلی‌خان تکلو به سوی همدان رفت. در نبود او علی‌مردان‌خان

پیمان شکست و ابوالفتح‌خان حاکم اصفهان را کشت تا با گرفتن اصفهان مقام شاهی ایران را قبضه کند. آنگاه او برای تسخیر فارس به شیراز تاخت و صالح خان بیات حاکم شیراز را شکست داد و فارس را نیز تصرف کرد. کریم‌خان از همدان بازگشت و اصفهان را از حاکم منصوب علی‌خان بازستاند و صادق خان زند برادر خویش را حاکم اصفهان کرد. ناامنی کشور فقط شامل طغیانگری علی‌مردان خان بختیاری نمی‌شد، بلکه محمدحسن‌خان قاجار مدعی حکومت بر مازندران و گرگان و آزاد خان افغان نیز یکی از مدعیان قدرت و حکومت بر ایران بود و با آشوب‌ها و درگیری‌های خود امنیت کشور را به خطر انداخته بودند. عبدالله خان یکی از سرداران کریم‌خان در لرستان بر خان زند یاغی شده بود. درگیری افغان‌ها با محمدحسن‌خان قاجار یکی دیگر از عوامل ناامنی در شمال کشور بود. حاکمیت حسن علی‌خان اردلان در کردستان و ایجاد فتنه او در اثر اتحاد با مهر علی‌خان تکلو حاکم همدان و ده‌ها شورش و ناامنی دیگر در جای‌جای دیگر و سرکوب همه آن‌ها توسط کریم‌خان، برقراری نظم و امنیت، یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور از جمله خدمات خان زند به سرزمین و مردم ایران است (نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۸۸).

با وجودی که کریم‌خان سواد نداشت ولی فرمانروایی باتدبیر، حسابگر، حساب کش و خوش‌طینت بود. درعین‌حال نسبت به آنان که می‌خواستند او را فریب دهند یا خودسرانه عمل کنند سخت‌گیر بود. نظم و نسقی را که او تنظیم کرده بود از وقوع تخلفات پیشگیری می‌کرد. چون کتاب رستم التواریخ که نویسنده آن محمدهاشم آصف معروف به رستم‌الحکما دوران زندیه را درک کرده، حاوی بیشترین مطالب مربوط به رخداد‌های تلخ و شیرین دوران حکومت زندیه و خصوصاً کریم‌خان است؛ مطالب این مقاله بیشتر برگرفته از مباحث این کتاب است زیرا تنها منبع مستند درزمینه موضوع مقاله است. نویسندگان دیگر که

در حوزه تاریخ زندیه قلم زده‌اند مطالب خود را بیشتر از این کتاب نقل کرده‌اند بنابراین مطالب تکمیلی و تحلیلی مربوط به آن دوران از آثار سایر نویسندگان معاصر و هم روزگار ما نقل می‌شود.

تعدادی از اقداماتی که این حاکم مردم‌دار برای برقراری نظم و امنیت در سطح جامعه اندیشیده بود، به شرح ذیل است:

۱- در هر شهر، محتسب یا حسابرسی مسلط به امور تعیین کرد تا به تعبیر آصف در رستم التواریخ که بعد از این مطالب زیادی از آن نقل می‌شود، از روی «قسط و انصاف و تمیز و حساب و احتساب و دیانت و امانت و صلاح و اصلاح متوجه نظام و نسق‌زی‌ها و وزن‌ها و قیمت اجناس و کون و فساد بلد باشد» (آصف، ۱۳۴۸: ۳۰۸). با این حساب مشخص است با حضور چنین شخص کارداران، منصف، متدین، امانت‌دار و مورد اعتماد کریم‌خان که بر کل امور بازار و اصناف نظارت کامل دارد، نظام بازار و مبادلات و تأمین نیازمندی‌های مردم کاملاً به سامان و روبه‌راه بوده است. بدیهی است چنانچه کاسبی از امور تنظیمی توسط محتسب تخطی می‌کرد مورد بازخواست و تنبیه قرار می‌گرفت.

۲- در هر شهر، «داروغه‌ای فهیم، پخته، زیرک، امین، متدین، صاحب حسن سیاست، بردبار و پرده‌پوش مقرر فرمود که منبع فسق و فجور و فواحش و دزدی و شلتاق و تعدی نماید» (همان‌جا). در اینجا منظور از داروغه که واژه‌ای مغولی است، رئیس پلیس یا فرمانده نیروی انتظامی هر شهر است. همان‌گونه که مشخص است مسئولان درجه اول هر شهر اعم از محتسب، داروغه و حکام ولایات توسط خود کریم‌خان انتخاب و معرفی و اعزام می‌شدند. معیارهای انتخاب داروغه یا ویژگی‌های رئیس پلیس هر شهر توسط خان زند نشان می‌دهد که کریم‌خان به چه نکات اساسی و مهمی توجه داشته

است. به‌راستی اگر پلیس اهل فهم باشد و در امور پخته عمل کند، امانت‌دار و دین‌دار باشد و بداند که با متهم و متخلف چگونه برخورد نماید، زود از کوره در نرود و در عین صبوری نسبت به تخلف متخلفان پرده‌پوش باشد و آبروداری کند و آنان را رسوای خاص و عام نکند و با عوامل اصلی یا به تعبیر آصف با منبع اصلی ترویج گناه و جرم مانند روسپیان و دزدان برخوردار قاطع و قهرآمیز نماید، ریشه گناه و جرم در جامعه خشکیده نمی‌شود؟ آنچه برای مسئولان امروزی پلیس درس‌آموز است در نظر گرفتن همان معیارهای مدنظر کریم‌خان زند در دوران خودش است.

۳- در دولت کریم‌خانی برای جلوگیری از دزدی و تخلفات شبانه نیز نظم و ترتیب خاصی حاکم بود. او مقرر کرده بود که در هر شهر: «از اول شب، هر ساعتی طبلی بکوبند تا سه ساعت از شب گذشته و اول ساعت چهارم، هر کس از منزل و مکان خود بیرون آید یا در کوچه و بازار او را بگیرند سیاست و نسقش نمایند» (همان). به‌بیان‌دیگر مردمان شهرهای ایران در زمان حکومت کریم‌خان زند از غروب آفتاب تا سه ساعت بعد مجاز به رفت‌وآمد در سطح شهر بودند. با توجه به در اختیار نبودن زمان‌سنج یا ساعت برای همگان این اطلاع‌رسانی با نواختن طبل ابلاغ می‌شد. با به صدا درآمدن طبل چهارم قانون ممنوعیت رفت‌وآمد شبانه اعمال می‌شد، یعنی قبل از نواختن طبل چهارم همه مردم می‌باید به استراحتگاه‌ها و منزل‌های خود رفته باشند. بعد از این چنانچه کسی در خیابان دیده می‌شد دستگیر و با او برخورد می‌شد.

۴- با وجود اعمال ممنوعیت رفت‌وآمد بعد از نواخته شدن طبل چهارم، بنا به نوشته آصف: «جمعی مأمور بودند که اول شب که سه ساعت از شب گذشته باشد تا بامداد در همه کوچه‌ها و بازارها بگردند و محافظت اهل شهر نمایند، از

شر دزدان و ستمکاران و ایشان را گزمه می‌خواندند» (همان). از این مطلب برمی‌آید که داروغه یا رئیس پلیس هر شهر برای انجام وظایف و مأموریت‌های محول شده به او تعدادی عوامل اجرایی در اختیار داشته است. وی برای برقراری نظم و امنیت بهینه در شب تعدادی از این عوامل را به کار می‌گرفت. نام این عوامل یا گشت‌های پیاده شبانه گزمه بود. شاید واژه گزمه از اصطلاح گز که یکی از واحدهای سنجش طول در گذشته بود، گرفته شده باشد یعنی افرادی که به واسطه خلوتی شهر در شب خیابان‌ها یا کوچه‌ها را با گام‌های خود که هرکدام یک گز اندازه داشت می‌پیمودند. کریم‌خان این افراد را برای آن به کار گرفته بود تا با هنجارشکنان و آنان که نمی‌خواستند قانون ممنوعیت رفت‌وآمد را رعایت کنند و شبانه درصدد تعدی و تجاوز به حقوق دیگران بودند دستگیر و برخورد نمایند. چنین افرادی یا در اندیشه دزدیدن مال دیگران بودند و یا خیال‌های سوء اخلاقی داشتند و یا ممکن بود درصدد آدم‌ربایی و گروکشی از دیگران باشند.

۵- کریم‌خان بعد از استقرار در شیراز در یک سفر جنگی برای تسلیم قدرت‌های محلی و بازگرداندن قفقاز و شمال قفقاز به دامن ایران با پنجاه هزار نفر نیروی رزمی مجهز به توپخانه و زنبورکخانه بدان سو حرکت کرد. از جمله ابتکارهای او در این سفر برای تأمین امنیت مردم آن است که بنا به نوشته آصف: «در جمیع منازل و مراحل و آبگاه‌ها به جهت محافظت طرق و شوارع ساخلوچیان مأمور فرمود و حدود هر مملکت را به سلطان‌های سرحد‌ها سپرد». به بیان دیگر حضور سپاه پنجاه هزار نفری وی برعکس فرمانروایان دیگر که بار سپاهشان بر دوش مردم بود، نه‌تنها برای مردم مزاحمت ایجاد نمی‌کرد بلکه با حرکت این سپاه امنیت راه‌ها بیش‌ازپیش تأمین می‌شد. کریم‌خان در این سفر که هفت سال به درازا کشید با زبردستی و کاردانی ارومیه و

مراغه و اردبیل و خوی و تبریز و وان و سلماس و شکی و شماخی و قبه و بادکوبه و نخجوان و ایروان و دربند و دمرقاپی و ارمنیه و تفلیس و آغسقه و همه گرجستان و گنجه و همه شیروانات و زنجان و حدود تالش و داغستان و قرا داغ و شوشی و قرا باغ و جار و سموق و چرکسی و غزلی و سرحدات لگزی را و مابقی آن مملکت بابرکت را در حیطة ضبط و تصرف خود درآورده و همه را به پهلوانی و کاردانی مسخر نمود. کریم‌خان برای جلوگیری از سرکشی دوباره افراد صاحب نفوذ آن سرزمین‌ها، زن و فرزند آن‌ها را به گرو گرفته و همراه با افراد سرکش آن حدود به اصفهان و شیراز آورد و وسایل رفاه آنان را ازهرجهت تأمین کرد. آنگاه پس از آن‌که همه سرزمین‌های ایرانی را تسخیر نمود، برای حاکمیت و اداره تکتک این سرزمین‌ها کارگزاران خود را منصوب و اعزام نمود. وی با تمام مردمان اهل و نااهل این سرزمین‌ها با حساب‌و‌کتاب و رعایت عدالت و احسان و مهربانی و مروت و جهان‌کدخدایی رفتار می‌کرد (همان: ۳۳۴).

۶- ازجمله بزرگمنشی‌های قابل‌توجه کریم‌خان، واگذاشتن حکومت خراسان به شاهرخ نوه نادرشاه افشار بود. باوجودی که خاندان زند از نادر جفاها دیده و چهارصد تن از بزرگان آن‌ها بافرمان نادر کشته‌شده بودند و خراسان بخشی جدانشدنی از ایرانی بود که کریم‌خان فرمانروای آن بود ولی او حتی به آن سرزمین سفر هم نکرد. بنا به نوشته آصف امیران، خان‌ها و فرمانداران نقاط مختلف خراسان به شیراز می‌آمدند و ضمن تقدیم پیشکشی‌های درخور و پسندیده وفاداری و اطاعت خود نسبت به خان زند را اعلام و از او برای ادامه کار کسب تکلیف می‌کردند. آصف می‌نویسد که: «معظم‌الیه نیز ایشان را به خلعت گرانمایه و انعام خدیوانه مفتخر و سرافراز فرمود، از برای هر یک فرمانی نوشتند که دستورالعمل شما همان است که پادشاهان سلف به

شما داده‌اند و شما را مستحفظین طرق و شوارع خراسان نموده‌اند و دهنه‌های ایران را که از جانب هندوستان و ترکستان با خطر و خوف و تشویش می‌باشد، به شما سپرده‌اند، خدمت همان است که محافظت حدود خودنمایید که قوافل و مترددین به امنیت، بی‌خوف و تشویش آمدوشد نمایند و اگر طاغی و یاغی پیدا شود دفع آن نمایید». باوجودی که خان‌ها و فرمانداران قسمت‌های مختلف خراسان با کریم‌خان در ارتباط بودند و او را در جریان امور می‌گذاشتند، به تعبیر آصف: «این تعاریف زیرکانه رندانه استمرار یافت و دخل و تصرف مالکانه در خطه خراسان نمود» (همان: ۳۳۷).

۷- بزرگمنشی دیگر کریم‌خان در حق میرزا ابوتراب میرزا یا شاه اسماعیل سوم نوه دختری شاه سلطان حسین صفوی است که کریم‌خان او را که کودکی بیش نبود شاه قانونی مملکت می‌دانست و خود را وکیل الدوله او می‌شمرد. با کارشکنی و خیانت این شاه در آستین پرورده شده و پیوستن او به محمدحسن‌خان قاجار یکی از رقیبان سرسخت کریم‌خان، پس از کشته شدن خان قاجار، خان زند با این فرد قدرشناس با احترام رفتار کرد. کریم‌خان او را در قلعه آباده از شهرهای امروز فارس سکونت داد و به ازای هرروز برای او یک تومان حقوق معین کرد که قیمت پانصد من تبریز گندم بود. باوجوداین به‌منظور پیش‌گیری از طغیان دوباره، برای او محدودیت‌هایی قائل شد از جمله به نوشته آصف: «قدغن نمود که از آن قلعه بیرون نیاید و از سواری ممنوع باشد و پاسبان‌ها بر وی گماشت و آن شاه گوشه‌نشین به همه کمالات آراسته به نقاشی خود را مشغول می‌نمود» (همان: ۳۳۸). بنا به نوشته رجبی، شاه آباده علاوه بر دریافت حقوق روزانه، روزی سه من تبریز گندم و ده من تبریز جو جیره داشت و سالی دودست لباس درخور شأن از کریم‌خان دریافت می‌کرد. اگر کس دیگری هم به‌جای کریم‌خان بود به‌منظور جلوگیری از بر هم

خوردن نظم عمومی مملکت توسط این شخص نامطمئن که ممکن بود از پیشینه خانوادگی و وابستگی به دربار صفوی سوءاستفاده و شری دیگر بر پا نماید، بدتر از این با وی رفتار می‌کرد. باوجود این کریم‌خان از احترام خشک‌وخالی به این شاه زندانی دریغ نداشت و در نامه‌های خود به او چنین متواضعانه می‌نوشت: «عرضه داشت کمترین بندگان» و پایان نامه نیز می‌نوشت: «کریم‌خان زند». شاه اسماعیل ۶ سال پیش از مرگ کریم‌خان بیمار شد و خان به‌محض آگاهی از بیماری سخت او دستور داد تا وی را به اصفهان ببرند تا در کاخ‌های تبار خود چشم از این جهان برگیرد. سرانجام شاه اسماعیل سوم در سن ۳۱ سالگی از دنیا رفت (رجبی، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۲۴).

۸- تدبیر دیگر کریم‌خان برای جلوگیری از بر هم خوردن نظم توسط افرادی که گمان می‌رفت بر هم زننده آرامش و امنیت کشور باشند، تحت نظر قرار دادن آقامحمدخان فرزند رقیب سرسختش محمدحسن‌خان قاجار و همچنین آزاد خان افغان بود. باوجود این از مشورت این دو نفر استفاده می‌کرد و نسبت به آقامحمدخان محبت داشت و او را پیران ویسه خطاب می‌کرد.

۹- کریم‌خان برای امیران و امیرزادگان، خان‌ها و خان‌زادگان، حکام و حاکم زادگان، والیان و والی زادگان، بیگان و بیگ‌زادگان حقوق و مستمری تعیین کرده بود. منظور از امیرزادگان و خان‌زادگان خانواده تحت تکفل امیران و خان‌های خدمت‌گزار بود. شاید کریم‌خان اولین کسی باشد که برای اسکان سپاهیان و افراد سرکشی را که در سفر جنگی قفقاز با خود به شیراز آورده بود، خانه سازمانی ساخته باشد. به‌فرمان او توسط برادرش صادق خان زند، بیگلربیگی یا حاکم شیراز ده دوازده هزار خانه برای سپاهیان بی‌خانه و گروگان‌های قفقازی ساخته شد؛ بنابراین طی فرمانی: «قدغن فرمود که هر یک از عساکر که در

خانه‌های اهل شیراز ساکن شده‌اند یا به رضا و رغبت آن خانه را از صاحبش بخرند و یا اجاره و کرایه و گرو نمایند و یا از آن خانه بیرون روند». چنین بود که این افراد با توجه به وجود خانه‌های سازمانی تهیه‌شده فوری دستور او را اجرا کردند (آصف، ۱۳۴۸: ۳۹-۳۳۸، ۸۶-۳۸۳).

۱۰- رجبی می‌نویسد: «مردم دوستی و خوش‌قلبی کریم‌خان بی‌نظیر بود. حتی آنان که با نابود ساختن دودمان زند به بزرگترین قدرت رسیدند و می‌کوشیدند تا از شهرت کریم‌خان بکاهند نیز، اغلب به ستایش او می‌پرداختند». وی در جای دیگر می‌نویسد: کریم‌خان نسبت به حفظ آبروی مردم، بسیار سخت‌گیر بود. خبر می‌رسد که طاهر خواهرزاده خان زند به زور و در حضور شوهر، زن رئیس نگهبانان را مورد تعرض قرار می‌دهد. هرچند که بنا به نوشته آصف این زن از سلامت اخلاقی برخوردار نبود و کریم‌خان این موضوع را به شوهرش متذکر شده بود، ولی به واسطه جسارت و قیحانه خواهرزاده خود دستور می‌دهد تا طاهر خان را حاضر کنند و در حضور او کتک بزنند. با این کتک زنی خشم خان فرو نمی‌نشیند. او لنگه کفش خود را از پا درمی‌آورد و با نعل آن به جان خواهرزاده می‌افتد و جمجمه‌اش را نرم می‌کند و او را به قصد کشت می‌زند. اطرافیان بدن نیمه‌جان طاهر خان را به زور از زیر دست خان درمی‌آورند و او را نجات می‌دهند. هم‌چنین نوشته‌اند هنگام جشن عروسی پسر کریم‌خان یعنی ابوالفتح‌خان با دختر حاجی جمال فومنی حاکم گیلان و خواهر هدایت‌الله‌خان، کریم‌خان بر در حرم‌خانه ایستاده بود و زنان بزرگان شیراز به اندرون می‌رفتند. نگهبانان کشیک این مراسم صد نفر از سیاهان سرزمین نوبه یا سودان امروز بودند. یوزباشی که سمت فرماندهی این دسته صدنفری را به عهده داشت، به هنگام عبور زنان به یکی از آنان خیره شد و به نظر خریدار بدو نگریست. شرح این ماجرا به قلم نوایی چنین است: «کریم‌خان متوجه شد و به بهانه

دیدن تجهیزات و اسلحه غلامان برخاست و شمشیر همه را دید و باز پس داد تا به یوز باشی رسید و همین‌که شمشیر وی به دست کریم‌خان رسید چنان بر کمرش زد که دوپاره شد. آنگاه با حاضران گفت: زنان رعایا و اکابر و اصاغر که به خانه من درآیند در حکم عیال من‌اند. این غلام دریکی به چشم تمایل نگریست، سزای او را دادم تا دیگر کسی در عیال کسی به چشم بد ننگرد و همه حد خود بدانند» (رجبی، ۱۳۷۶: ۳۷-۱۳۶؛ آصف، ۱۳۴۸: ۱۹-۴۱۶؛ نوایی، ۱۳۷۶: ۴۷-۲۴۷). چنین اقدام‌هایی مقایسه شود با اقدام نادرشاه که در پاسخ به کسی که مدعی بود یکی از سربازان نادر به همسرش تجاوز کرده است و پس‌ازاین ننگ نمی‌تواند زنده بماند، نادر گفت: آری، نمی‌توانی زنده بمانی و بی‌درنگ دستور داد تا شاکی را خفه کنند زیرا نادر مدعی بود که در شرایط جنگی حفظ سرباز برای او مهم‌تر است (پناهی سمنانی، ۱۳۷۱: ۱۸).

۱۱- کریم‌خان برعکس فرمانروایان دیگر که به محض پیروزی بر رقیب، سرزمین‌های تصرف‌شده را غارت و ویران می‌کردند، بنا به نوشته رجبی: «شهریاری بود که به‌ندرت یک آبادی را گرفتار قهر و غضب خود می‌ساخت. او تقریباً در همه جنگ‌های خود، پس از فتح محلی، ابتدا به فکر آسایش و امنیت مردم بود. او با این سیاست نه‌تنها کشور خود را از ویرانی‌های بازمی‌داشت، دوستی و محبت مردم را نیز به خود جلب می‌کرد». ایشان برعکس رویه رایج آن زمان که مردم مناطق جنگی تأمین‌کننده نیاز سپاهیان حاضر در منطقه بودند، با پرداخت به‌موقع حقوق سربازان خود و با دستورهای قاطعی که در مورد امنیت مردم صادر می‌کرد، مردم را از غارت و چپاول در امان نگه می‌داشت. به نوشته رجبی: «همه مورخان پس از کریم‌خان، بدون استثنا ویژگی‌های مثبت این شاه بی‌تاج و تخت را ستوده‌اند». ایشان در این زمینه به ستایش وارینگ انگلیسی از کریم‌خان که ۲۳ سال بعد از مرگ او به ایران می‌آید اشاره می‌کند که

می‌نویسد: «حکومت این شخص را می‌توان پدیده‌ای استثنایی در تاریخ ایران به شمار آورد. برای او خوشبختی مردم بالاتر از همه چیز بود. کریم‌خان رعیتش را دوست می‌داشت و همسایگان به او احترام می‌گذاشتند. دادگستری در همه جا تجلی می‌کرد. در زمان حکومت کریم‌خان آرامش جایگزین هرج و مرج گردید. بهترین پلیس در همه شهرهای ایران مشغول به کار شد. عدالت به طبقات پایین اجتماع راه یافت و گوش وکیل برای شنیدن کوچکترین شکوه باز بود. سخاوتش به مرز افراط می‌رسید. این تصویر شاهی است که هیچ‌کس خدشه‌ای به آن وارد نخواهد آورد. برای طبیعت انسان، تقریباً غیرممکن است که از قدرت مطلق سوء استفاده نکند. برای رفتار نرمی که وکیل داشت، به حق باید او را ستود. داستان‌های زیادی که مردم ایران درباره کریم‌خان تعریف می‌کنند، مقام والای او را به اثبات می‌رساند» (رجبی، ۱۳۷۶: ۴۵-۱۳۶؛ آصف، ۱۳۴۸: ۲۲-۴۲۱).

۱۲- امینه پاکروان بانوی، با استفاده از منابع پیشین می‌نویسد که شعار حکومت کریم‌خان صلح و آشتی و نتیجه آن رونق و شکفتگی کشور بود. وی چهره مردمی این حاکم استثنایی را چنین به تصویر می‌کشد: «از بیست سال پیش که وکیل، دیگر مدعیان تاج و تخت را برانداخته بود، از جنگ‌های داخلی پرهیز می‌شد. دیگر از قهر و شکنجه سخنی در میان نبود، بزرگ و کوچک عادت باج‌گیری را از سر به درمی‌کردند. با این همه کسی بر سر اقتدار کریم‌خان، بحثی نداشت. طلسم نفوذش تا دورافتاده‌ترین مرزهای شاهنشاهی، از خلیج فارس تا قفقاز، از کردستان تا حدود امیرنشین خراسان کارگر بود. وکیل در وجود شاهزاده کور، شاهرخ شاه حرمت یادگار نادر خان رشته‌های ویژه بستگی خود با این پادشاه را نگه می‌داشت. تا آن روزگار، هیچ‌گاه شنیده نشده بود که پادشاه یا نایب‌السلطنه‌ای لذت بردن از زندگی را به صورت دستورالعملی درآورده باشد. کریم‌خان دوست

می‌داشت که پیرامون خود مردمانی نیکبخت ببیند. وی با پاکدلی و صفا، احکام دینی مقبول عام را بی آن‌که کوچکترین آبتابی به آن دهد یا بدعتی گذارد، به کار می‌بست. هرگز مذهب شخصی را چون بسیاری دیگر دستاویز اقتدار و نفوذ روحانی خود نساخت. در عهد او نه از تعصب نشانی بود، نه از قیافه‌های غمناک و سوگووار. لطف او شامل حال همه حتی بیگانگان و مسیحیان بود. با مهربانی، نفوذ معنوی و اعتماد سلطنت کردن چیز نوظهوری بود. از این‌رو خاطره وکیل در دل شیرازیان زنده مانده است. در شیراز برای همه‌چیز، زمان کریم‌خان را مبدأ می‌گیرند و در هر مورد می‌گویند: دوران وکیل چنان و چنین بود. هرچند که استخوان‌های او هم پوسیده، ولی وکیل اکنون برتر از یک خاطره است و همچنان در میان همشهریان به زندگی خود ادامه می‌دهد» (پاکروان، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۴).

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که به‌کارگیری عوامل ذیل موجب شد تا کریم‌خان بتواند در برقراری نظم و امنیت عمومی در داخل ایران موفق باشد و رفاه و آسایش را برای همه اقشار جامعه به ارمغان آورد.

- سرکوب خان‌ها و روسای طوایف مختلف که مبارزه آنان با همدیگر موجب تضعیف کشور و ایجاد خطر برای تمامیت ارضی کشور شده بود.
- انتخاب و انتصاب کارگزاران مورد اعتماد خود و اعزام آن‌ها به ولایت‌های مختلف در سرتاسر ایران.
- اعمال قانون منع رفت‌وآمد شبانه و گشت‌زنی گزیده‌های پلیس موجب برقراری امنیت و پیشگیری از دزدی و تخلفات دیگر می‌شد.

- برقراری نظام پرداخت حقوق به دولتیان اعم از اداری و نظامی و برداشتن بار لشکرکشی‌ها از دوش مردمان محلی.
 - سریع‌الرضا بودن و چشم‌پوشی از گذشته افراد متمدن و تکریم آن‌ها تا جایی که علاوه بر مشورت از آن‌ها در تفویض مسئولیت‌ها نیز استفاده می‌شد.
 - تکریم بازماندگان نادرشاه در خراسان و صفویه در اصفهان و آبادیه و محمدحسن‌خان قاجار در شیراز ضمن رعایت احتیاط و نظارت دوردور بر آن‌ها.
- توجه به حفظ آبروی مردم، زمینه‌سازی شادابی و نشاط مردم، تأمین مایحتاج مردم در مواقع قحطی، پرهیز از غارت و ویرانی سرزمین‌های اشغال‌شده، پیشگیری از تعرض سربازان به مردم در مأموریت‌های جنگی، سخاوتمندی، مماشات با پیروان مذاهب دیگر و پرهیز از تعصب بی‌جا، خوش‌طینتی و پاکدلی و صفا در حق همگان، تأکید بر استفاده از تولیدات ایرانی و منع استفاده از تولیدات بیگانه و ده‌ها صفات مثبت دیگر ازجمله عواملی بود که موجب اطمینان مردم به این حاکم مردمی شد. او با درایت و تدبیر فرصت تخلف را از متخلفان می‌گرفت، به‌گونه‌ای که مردم ایران طعم آسایش، نظم و امنیت عمومی را چشیدند؛ بنابراین الگوگیری مسئولان کشور و مأموران نیروی انتظامی از ساده‌زیستی، شیوه مردم‌داری و مردم‌دوستی کریم‌خان زند برای کسب محبوبیت در میان مردم، پیشبرد وظایف و مأموریت‌های محول شده سازمانی تنها توصیه و پیشنهاد نگارنده مقاله به آن‌ها است.

منابع

- آصف، رستم‌الحکما، محمدهاشم (۱۳۴۸)، رستم‌التواریخ، تصحیح و تحشیه و توضیحات و تنظیم فهرست‌های متعدد از محمد مشیری، تهران، چاپ‌تابان.
- پاکروان، امینه (۱۳۷۷)، آغامحمدخان قاجار، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران، جامی.
- پری، جان. ر. (۱۳۸۱)، کریم‌خان زند، ترجمه علی‌محمد ساکی، تهران، آسونه.
- پناهی سمنانی، محمداحمد پناهی (۱۳۷۱)، آغامحمدخان قاجار چهره حیل‌گرتاریخ، ج-۶، تهران، کتاب‌نمونه.
- تقوی راد، محمود رضا (۱۳۹۰)، کارنامه ملایر، تهران بوستان قرآن.
- حیدری، حجت‌الله (۱۳۸۱)، ایل‌حسنوند، خرم‌آباد، افلاک.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- رجبی، پرویز (۱۳۷۶)، کریم‌خان زند و زمان او، تهران، ندا.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۳۹)، تاریخ‌ملایر، تهران، شرق.
- عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ‌فارسی‌عمید، تهران، امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر.
- فریدمن، لورنس (۱۳۷۵)، مفهوم امنیت، گزیده مقالات سیاسی امنیتی، ترجمه مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، تهران، بینش.
- گودرزی، علیرضا (۱۳۸۸)، دانش‌نامه ملایر پژوهشی گسترده در نام‌های شهرستان ملایر، ملایر، کبریا.
- معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ‌فارسی، تهران، امیرکبیر.
- نامی اصفهانی، محمدصادق موسوی (۱۳۶۸)، تاریخ گیتی‌گشا، با مقدمه سعید نفیسی، ج ۴، تهران، اقبال.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۶)، کریم‌خان زند، ج ۴، تهران، امیرکبیر.
- هرودت (۱۳۶۸)، تاریخ هرودت، ترجمه ع. وحید مازندرانی، ج ۲، تهران، دنیای‌کتاب.